

چهارم آبان‌ماه سالروز اعتراض و افشاکگری امام خمینی علیه لایحه کاپیتولاسیون در سال ۱۳۳۳ می‌باشد. کاپیتولاسیون عبارت از معاهده‌ای است که به موجب آن بیگانگان حق اقامت در کشور دیگری را برای خود تحصیل می‌کنند و از برخی حقوق و مزایای «خاصی» به ویژه در امور قضایی بهره‌مند می‌شوند. کاپیتولاسیون از قرن پانزده میلادی ازسوی کشورهای قدرتمند از قبیل کشورهای ضعیف تحصیل شد و در ایران نیز برای اولین بار، در دوره قاجار و در پی شکست ایران در جنگ با روسیه هم قرارداد و ترکمانچای به ایران تحمیل شد. در این قرارداد و به موجب فصول ۷ و ۸ آن، قانون مصونیت قضایی مستشاران روسی به ایران تحمیل و پس از آن دولت‌های انگلیس و فرانسه نیز کاپیتولاسیون را به ایران تحمیل نمودند. در واقع لایحه کاپیتولاسیون در سال ۱۳۳۳ آخرین حلقه از این دست می‌باشد که زسوی آمریکا بر ملت ایران تحمیل شده است. بدین شکل که در تیرماه ۱۳۳۳ محمدرضا شاه به آمریکا رفت و مورد استقبال گرم مقامات آمریکایی قرار گرفت. در این سفر، از جمله مسائلی که مورد بحث و تبادل نظر طرفین قرار گرفت اعطای کمک‌های نظامی آمریکا بود که منوط به وضع مقررات قضایی و مصونیت نظامیان آمریکا شد. پس از بازگشت شاه از آمریکا، لایحه مزبور در مجلس سنا طرح شد. در سوم مرداد ۱۳۳۳ مجلس سنا جلسه فوق‌العاده‌ای تشکیل داد تا به بررسی چند لایحه بپردازد. این جلسه تا نیمه شب ادامه پیدا کرد و بعد از طرح لوایح مختلف، مقارن

«در جریان تصویب لایحه کاپیتولاسیون، رژیم شاه که به خوبی می‌دانست ملت قهرمان ایران هرگز چنین ننگی را تحمل نکرده و در برابر آن بی‌تفاوت نخواهد نشست، با سانور شدید و کنترل همه‌جانبه کوشش بعمل آورد که از درز کردن این خیانت تاریخی جلوگیری نماید

آیت‌الله‌عظیم‌رحم‌الله‌خامنه‌ی‌مبارک در جریان سخنرانی درمجلس شورای ملیته‌ی ۱۳۳۳

آیت‌الله‌عظیم‌رحم‌الله‌خامنه‌ی‌مبارک در جریان سخنرانی درمجلس شورای ملیته‌ی ۱۳۳۳

نیمه شب، لایحه کاپیتولاسیون که متن آن بدین قرار بود مطرح شد: «سادهٔ واحده: به توجه به لایحه شماره ۱۳۳۳/۱۱۲۵– ۲۱۵۷–۲۲۹۱–۱۸ش. دولت و ضامنم آن در تاریخ ۲۱/۱۱/۴۱ و ۴۱/۱۱/۴۱ به مجلس سنا تقدیم شده به دولت اجازه داده می‌شود که رئیس و اعضای هیئتهای مستشاری نظامی ایالات متحده آمریکا در ایران که به موجب موافقت‌نامه مربوط در استخدام دولت شاهنشاهی باشند از مصونیت‌هایی که شامل کارمندان اداری و فنی موصوف در بند (و) ماده اول قرارداد وین که در تاریخ هجدهم آوریل ۱۹۶۱م. (۲۹ فروردین ۱۳۴۰) به افشا رسیده است برخوردار نماید.»

واکنش امام خمینی

در جریان تصویب لایحه کاپیتولاسیون، رژیم شاه که به خوبی می‌دانست ملت قهرمان ایران هرگز چنین ننگی را تحمل نکرده و در برابر آن بی‌تفاوت نخواهد نشست، با سانسور شدید و کنترل همه جانبه کوشش بعمل آورد که از درز کردن این خیانت تاریخی جلوگیری نماید از این رو در جریان و مطبوعات ایران از انعکاس این روه‌آورد تازه «تقلاب سفید» بشدت جلوگیری کرد، امام در عین حال امام خمینی از آن آگاهی یافت. مرحوم شهید حاج مهدی عراقی در این باره می‌گوید: «واخر شه‌پور ی تقریباً اواخر مهر بود که یکی از رفقایِ که ما در مجلس داشتمیم به ما اطلاع داد که یک لایحه‌ای دولت می‌خواهد بیآورد در

مجلس و مصونیت بدهد به ۱۷۰۰ مستشار آمریکایی که بعدا به همین نام لایحه کاپیتولاسیون مشهور شد. این مسئله آمد با آقا مطرح شد، آقا این جوری قبول نکردند گفتند تا مدرک نباشد ما نمی‌توانیم روی آن حرفی بزنیم شما اگر بتوانید مدرکش را تهیه کنید.»، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز در خاطرات خود در این باره می‌نویسند: «باخبر شدمیم که در مجلس رژیم لایحه‌ای در مسیر تصویب است که در آن به مستشاران آمریکایی امتیازاتی داده می‌شد در پیگیری

روانه نمود و خود نیز با مقامات روحانی قم به گفتگو نشست و اقدام به آگاه کردن آنها نمود و بدین ترتیب محوده اعتراضات خود در سطح کشور را گسترش داد.

رژیم شاه بی‌درنگ دست به کار شد که امام خمینی را از تحریک کردن افکار عمومی علیه آمریکا بازدارد و چون با تجربه دریافته بود که امام را با تهدید و ارباب نه تنها نمی‌توان از کاری بازداشت بلکه موجب قاطعیت ایشان در انجام آن خواهد شد

چهارم آبان، الغای سند بردگی ایران



آیت‌الله‌عظیم‌رحم‌الله‌خامنه‌ی‌مبارک در جریان سخنرانی درمجلس شورای ملیته‌ی ۱۳۳۳

آیت‌الله‌عظیم‌رحم‌الله‌خامنه‌ی‌مبارک در جریان سخنرانی درمجلس شورای ملیته‌ی ۱۳۳۳

«برای اولین بار، در دوره قاجار قرارداد ترکمانچای به ایران تحمیل شد. در این قرارداد، قانون مصونیت قضایی مستشاران روسی به ایران تحمیل و پس از آن دولتهای انگلیس و فرانسه نیز کاپیتولاسیون را به ایران تحمیل نمودند

آیت‌الله‌عظیم‌رحم‌الله‌خامنه‌ی‌مبارک در جریان سخنرانی درمجلس شورای ملیته‌ی ۱۳۳۳

آیت‌الله‌عظیم‌رحم‌الله‌خامنه‌ی‌مبارک در جریان سخنرانی درمجلس شورای ملیته‌ی ۱۳۳۳

بناچار در صدد برآمد که از راه غیر مستقیم و به وسیله عناصر به ظاهر غیروابسته و به اصطلاح «باجوه» و به اسم نصیحت و اندرز خیرخواهانه ایشان را از حمله علیه آمریکا باز دارد و برای انجام این نقشه یکی از عناصر مورد وثوق دستگاه حاکم را روانه قم

ساخت تا امام خمینی را از ایجاد جوّ ضدّ آمریکایی در محیط مذهبی ایران برحذر دارد، این شخص پس از ورود به قم از آنجا که موفق نشد؛ امام ملاقات کند به ملاقات حاج آقا مصطفی خمینی رفته و اظهار داشت: «آمریکا به منظور کسب وجهه در میان مردم ایران با تمام قدرت فعالیت می‌کند و پول می‌ریزد و از نظر قدرت در موقعیتی است که هرگونه حمله به آن به مراتب خطرناکتر از حمله به شخص اول مملکت است. آیت‌الله خمینی اگر این روزها بنا دارند نطقی

نسخه از آن فقط در تهران چاپ و منتشر شد. در بخشهایی از پیام مهمّٔ امام خمینی راجع به طرح اسارت‌بار احیای کاپیتولاسیون آمده است: «یا ملت ایران می‌داند در این روزها بر مجلس چه گذشت؟ می‌داند مجلس به پیشنهاد دولت سند بردگی ملت ایران را امضاء کرد؟… قلم سایه کشید بر جمیع مفاخر اسلامی و ملی ما… ملت ایران را در تحت اسارت آمریکائینها قسار داد؟… اکنون مستشاران نظامی و غیرنظامی آمریکا با جمیع خانواده و مستخدمین آنها آزادند هر چنانچه بکنند، هر خیانتی بکنند و پلیس ایران حق بازداشت آنها را ندارد، دادگاههای ایران حق رسیدگی ندارند چرا؟ برای اینکه آمریکا مملکت دلار است و دولت ایران محتاج دلار. بر حسب این رای ننگین اگر یک مستشار آمریکایی یا یک خادم مستشار به یکی از مراجع تقلید ایران، به یکی از افراد محترم ملت تا به یکی از صاحب منصبان عالی رتبه ایران هر جسارتی یا خیانتی بکند پلیس حق بازداشت او را ندارد و محاکم ایران حق رسیدگی ندارد ولی اگر به یک سگ آنها تعرضی بشود پلیس باید دخالت کند، دادگاه باید رسیدگی نماید. بر ملت ایران است که این زنجیرها را پاره کنند، بر ارتش ایران است که اجازه ندهند چنین کارهای ننگینی در ایران واقع شود، بر خطبا و وعاظ است که با بیان محکم، بی‌هراس بر این امر ننگین اعتراض کنند و ملت را بیدار کنند… دیروز ممالک اسلامی به چنگال انگلیس و عمال آن مبتلا بودند و امروز به چنگال آمریکا و عمال آن.»

بیانات مهمّٔ و تاریخی امام خمینی که تا نگرشی

***امام خمینی در واکنش به لایحه کاپیتولاسیون در روز چهارم آبان ۱۳۳۳ که مصادف با میلاد حضرت فاطمه(س) بود سخنان خود را با آیه استرجاع «اَنَا اللَّهُ وَ اَنَا اِلٰهه راجعون» آغاز کرد و متعاقب این سخنانی اعلامیه شدیداللحنی هم صادر کردند که ۴۰ هزار نسخه از آن فقط در تهران چاپ و منتشر شد**

آیت‌الله‌عظیم‌رحم‌الله‌خامنه‌ی‌مبارک در جریان سخنرانی درمجلس شورای ملیته‌ی ۱۳۳۳

آیت‌الله‌عظیم‌رحم‌الله‌خامنه‌ی‌مبارک در جریان سخنرانی درمجلس شورای ملیته‌ی ۱۳۳۳

همه‌چانه به بررسی رژیم کاپیتولاسیون پرداخته نشانگر این مهمّٔ است که ایشان با یک شناخت کامل، به معرفی این قضیه پرداخته و در پیام خود موضوع را تنها از یک بعد بررسی نکرده بلکه تمامی ابعاد این قضیه را مورد تحلیل قرار داده است و عوامل تصویب این قانون را چه داخلی و یا خارجی مورد حمله قرار داده و بی‌پروا به افشاکری پرداخته است. در این نطق تاریخی و انقلابی امام خمینی موضع قاطع خود را در برابر بلوک‌های شرق

و غرب روشن ساخت، اهداف و آرمانهای روحانیت را تا حدودی مشخص کرد و رهنمودهای غنی، ژرف و پرمحتوایی به نسل معاصر و نسلهای آینده داد.

این مسئله شاه و ساواک و اربابان آنها را بشدت ناراحت و عصبانی کرد و تصمیم به دستگیری امام گرفتند. زیرا تیرا امام با آنها به مرحله حساسی رسیده بود و متوجه شده بودند که امام این تیر را شدیدتر از گذشته ادامه خواهد داد و کار به جاهای باریکی خواهد کشید به علاوه فهمیدند که سازماندهی تشکیلات مبارزه بسیار قوی شده و احتمال اقدامات مهمتری در آینده از طرف آنها را باید انتظار بکشند و این بار تصمیم به تبعید امام(ره) گرفتند. از این‌رو پس از چند روز، امام خمینی از شیشه‌ای از قم خارج نموده و صبحدم روز چهارشنبه ۱۳ آبان‌ماه ۱۳۳۳ (۲۹ جمادی‌الثانی / ۱۲۸۴ ه‍.ق) به ترکیه تبعید کردند.

آیت‌الله‌عظیم‌رحم‌الله‌خامنه‌ی‌مبارک در جریان سخنرانی درمجلس شورای ملیته‌ی ۱۳۳۳

آیت‌الله‌عظیم‌رحم‌الله‌خامنه‌ی‌مبارک در جریان سخنرانی درمجلس شورای ملیته‌ی ۱۳۳۳

آیت‌الله‌عظیم‌رحم‌الله‌خامنه‌ی‌مبارک در جریان سخنرانی درمجلس شورای ملیته‌ی ۱۳۳۳

بلکه آثار سیاسی اجتماعی او نیز کمی از آثار علمی ندارد. مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی درباره ابعاد متنوع وجودی ایشان می‌گوید: «کنکتهٔ جالبی که در آن سفر (به عتبات) به آن برخورد کردم، عمق علمی حاج آقا مصطفی؛ بود. حرف‌های ما عمدتاً دربارهٔ مبارزه و مسائل سیاسی بود، اما گاهی که حرف پیش می‌آمد و مباحث فقهی، کلامی و مانند آنها مطرح می‌شد، می‌دیدم که هر مسأله‌ای که مطرح می‌شود، حاج آقا مصطفی مابنی را کاملاً در دست دارد و براساس آنها، نظریات فقهی و عقیدتی مطرح می‌کند. بر بحث‌های اجتماعی هم مسلط بود و براساس آنها، موضع می‌گرفت و واضح و مستدل صحبت می‌کرد.» آیت‌الله خامنه‌ای نیز در این باره می‌افزایند: «مرحوم سید مصطفی خمینی؛ یکی از شخصیت‌های باقوه و بالفعل اسلام بود. روزی که ایشان شهید شدند، در حدود سنین ۴۸– ۴۷ سالگی بودند و در آن سن جزء ممتازترین کسانی بود که در حوزه‌های علمیه قم، نجف، مشهد و… وجود داشت. بنده ایشان را به عنوان یک چهرهٔ برجستهٔ حوزهٔ علمیهٔ قم از سال‌ها قبل می‌شناختم، وقتسی به رقم رفتنم بودیم، در درس فقه و اصول امام، ممتازترین کسی که بر طبق سنت و شیوه درس‌های حوزهٔ علمیه، گسنتاخانه با امام از مباحث علمی دم می‌زد و اشکال می‌کرد، او بود. ایشان اگر نگوییم بهترین شاگردان، جزء بهترین شاگردان درس امام(س) بود، و در عین حال خود یک مدرس معروف بود و فلسفه و فقه درس می‌داد. او به عنوان یک چهرهٔ برجسته در میان طلاب، فضلا و مدرسین حوزهٔ علمیه بود.»

و در نهایت جزئی‌الاسلام والمسلمین سید احمد خمینی که انس بیشتری با برادر‌خود داشته است درباره شخصیت آن نادره زمانه می‌گوید: «واقعاً از آن که چنین برادری را از دست داده‌ام، به شدت ناراحت هستم. ایشان یک مجتهد عالم اصولی، فقیه، فیلسوف خوبی بود. ادبیات عرب و تاریخ را به خوبی می‌دانست، وقتی برای آخرین بار به نجف رفتم، معمم بودم و در آنجا نزد ایشان مدتی درس خواندم بنابراین علاوه بر احساس برادری نسبت به ایشان احساس شاگردی هم دارم و با دست دادن ایشان ضربه بزرگی خوردم. من فکراهی زیادی داشتم که چگونه از علم ایشان بهره‌مند شوم و در مورد استفاده‌هایی که ایشان می‌توانست به حوزه‌های علمی و محیط‌های دیگر برسانند، با برادران صحبت می‌کردیم.»

جمهوری اسلامی

صدافت پیام رسالت

حضرت آیت‌الله حسین مظاهری

صدافت و صمیمیت

پیغمبر اکرم و ائمه طاهربین(علیهم‌السلام) راجع به صفا و صمیمیت و صدافت فراوان سفارش کرده‌اند. حضرت امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) در حدیثی فرمود: *اِنَّ لاهل الدین علاماتٍ یعرفون بها صدق الحدیث و اداء الامامة* و… یعنی اگر فردی صادق است، بفهمید که او مسلمان است و اگر صفا و صدافت ندارد، مسلمان واقعی نیست؛ اگرچه مسلمان شناسنامه‌ای باشد. آنکه دیگران را گول بزند، حقه باز باشد و دروغ بگوید، نشانه‌ای از مسلمانی واقعی ندارد. وقتی حالات اهل‌بیت(علیهم‌السلام) را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که صدافت، صفا و صمیمیت در عمق جان آن‌ها حاکم بوده است، لذا اگر ما بخواهیم مسلمان واقعی و پیرو اهل‌بیت(علیهم‌السلام) باشیم، باید با مردم یکره باشیم، تظاهر و دورویی در زندگی ما نباشد.

صفا و صمیمیت و صدافت اقسامی دارد:

قسمت اول راجع به خداوند است که سخت می‌باشد. کسی می‌تواند بگوید که من با خدا صدافت دارم که وقتی می‌گویند: ایاک نعبد و ایاک نستعین راست بگوید. فرآز اول، یعنی توحید عبادی و کسی که ایاک نعبد می‌گوید باید متابعت از هیچکس نکند جز خدا. فرزاز دوم نیز به معنای توحید افعالی است و به این معناست که هیچ‌کسی را در زندگی مؤثر نداند جز خدا و این حقیقت ایاک نستعین است. اگر نماز‌گزاری متابعت از شیطان و نفس اماره و شیطان درون و بسرون بکند، گرچه نمازش صحیح است، اما یک دروغ حسابی در نماز گفته است. اگر همه چیز را مؤثر در زندگی بدانند و در نمازش ایاک نستعین بگویند، دروغ گفته و با خدا به صفا و صدافت رفتار نکرده است.

قسم دوم صدافت با پیغمبر اکرم و ائمه طاهربین(علیهم‌السلام)است؛ یعنیمان‌طور که تا سرحد عشق امام علی و حضرت زهرا و سایر معصومین(علیهم‌السلام) را دوست و ارادت داریم، از نظر عمل هم متابعت داشته باشیم. آن‌کسی که گناه در زندگی‌اش باشد، اهل زدوی، غیبت، تهمت، ابرویرزی باشد یا خامی که مراعات حجابش را نکند، با حضرت زهرا صدافت ندارد، بلکه دل حضرت زهرا را آزرده خاطره هم می‌کند.

قسم سوم صدافت در خانه است. زن نسبت به شوهر، شوهر نسبت به زن و زن و شوهر نسبت به فرزندان باید صدافت و مهربانی داشته باشند. همه باید مواظب باشند که دروغ در خانه راه نیابد و زن و شوهر به یکدیگر و به فرزندان دروغ نگویند. زن و شوهر باید با هم یک رنگ باشند.

آن زن و شوهری که در خانه اختلاف دارند، آن زن و شوهری که به یکدیگر دروغ می‌گویند، آن زن و شوهری که به فرزندان دروغ می‌گویند و بچه‌ها تحت نظر آن‌ها بزرگ می‌شوند، فرزندان دروغگو بار می‌آیند و گناهش هم به عهده پدر و مادر است. قرآن کریم می‌فرماید ان الخاسرین الذین خسروا انفسهم و اهلبهم یوم القیامة؛ زمر/۱۵ از ورشکستگان روز قیامت آن‌ها هستند که به واسطه اولاد باید به جهنم بروند. افرادی که در خانه دروغ می‌گویند خسارت خسران می‌بینند و هم بچه‌هایش که با این حالات تربیت می‌شوند.

وظیفه خاص روحانیون

حساب خواص غیر از حساب عموم مردم است ممکن است یک چیزی برای عموم مردم مباح باشد یا این که مکروه باشد اما به عنوان حکم ثانوی برای ما حرام باشد. برای این‌که ما منسوب به اسلام هستیم و خیلی کارها را باید انجام ندهیم، خیلی مواظبت‌ها را باید بکنیم. اگر مردم از افصال ما و کردار ما حکمی نادرست را برداشت بکنند یا ابهت گناه از دلشان بپرد، این گناه خیلی بزرگ است. بعضی اوقات چنین هم می‌شود انسان می‌بیند که یک جمله از یک عالم چه آتش‌ها بر افروخته و بسر عکس آن یک عمل چه نشاطها و کارهای خوبی حاصل شده است. این جمله بن عبدالعزیز حدود پنج شش ماه بیشتر خلافت نکرد اما خیلی کارها کرد. در تاریخ نوشته است که این کارها و تحول حال او در اثر جرقه‌ای بود که یک معلم در او ایجاد کرد. می‌گفت معلم من پیش من مشغول نماز مستحبی بود، من و یک پسر دیگر که پیش او درس می‌خواندیم مشغول نمازناز گفتن به امیرالمؤمنین علیه‌السلام شدیم. پس از آن که نماز معلم شد رو کرد به من و گفت کسی که در زمان پیغمبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم بهشتی بوده و همه به آن اذعان داشتند به چه دلیل بعزاز پیغمبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم کافر شد به‌طوری که بشود او را لعن کرد. عمربن عبدالعزیز می‌گوید: همین یک جرقه باعث شد که در همان وقت تصمیم گرفتم اگر قدرت پیدا کردم، امیرالمؤمنین علیه‌السلام را بلند بدارم…

بالاخره آن عقل تبلیغ و عقل طلبگی را نداشتن گاهی اوقات خراب‌کاری به بار می‌آورد، ما طلبه‌ها خیلی باید مواظب باشیم که یک دفعه از جملات ما، یک بدعت دینی درست نشود. یکی از نصیحت‌هایی که امام خمینی قدس سره پیوسته در درس‌های خود به طلاب داشتند این بود که می‌فرمودند که اگر می‌خواهی مبلغ بلاد بشوسی و سرمد از رفتار و کردار ششما، دین ختیقی را بفهمند، مواظب باشیید که با دین مردم چه می‌کنی. بعد می‌فرمودند: اگر یک جمله‌ای یا یک کاری از شما صادر بشود که موجبات وهن اسلام بشود و حتی موجب وهن روحانیت بشود، این «ذنب لا یغفر» است یعنی این گناه به اندازه‌ای بزرگ است که شخص دیگر توقیف پیدا نمی‌کند که توبه کند و یا منظور این است که وقتی آب ریخت دیگر نمی‌شود آن را جمع کرد. گاهی انسان یک جمله‌ای می‌گوید ولی دیگر نمی‌تواند بگوید اشتباه کردم و این‌چور نبوده می‌گفتم.

روایت دارد «من سنن سنّة سیئةٔ فله وزرها و وزر من عمل بها و من سنن سنّة حسنةٔ فله اجرها و اجر من عمل بها» آن کارهایی را که عمربن عبدالعزیز صورت داد، علاوه بر این‌که برای خودش ثواب داشت به همان اندازه برای آن معلم هم ثواب داشت. کتاب انحرافی آیت‌الله شیطان را که مسلمان رندگی نوشته به همان اندازه‌ای که شیطان گناه دارد، هر کس هم آن‌را بخواند و منحرف شود و کار بی‌جایی انجام دهد، گناهش در نامه عمل نویسنده‌اش نوشته می‌شود.

طلبه زیر ذره بین

مطلبی را که همه ما باید توجه کنیم این است که اگر مردم دو تا چشم دارند، چند تا چشم دیگر پیدا می‌کنند تا به حرف‌های ما، به رفتار و منش ما و به رفتار زن و بچه‌های ما نگاه می‌کنند، همیشه تاریخ هم چنین بوده و زیر ذره‌بین عموم مردم بوده‌ایم، اما بالاخره تشییع مروون این روحانیت است، این را همه حتی دشمنان هم می‌دانند لذا ما باید احترام این لباس را پیش زن و بچه‌مان، پیش رفیقمان و در جامعه داشته باشیم.